

زیارت مزار خدا باوران

حسین ایرانی



مقدمه

در نگاه قرآن و اسلام، هدف از آفرینش، عبودیت و بندگی خداست؛ «ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون»^۱ و نیز فلسفه بعثت انبیا، همان عبادت می‌باشد؛ «و لقد بعثنا فی کل امة رسولا ان اعبدوا الله...»^۲

از طرفی برترین مقام و امتیاز، همان عبد خدا شدن است؛ «سبحان الذی اسرى بعبده» و اشهد ان محمداً عبده و رسوله. علاوه بر این، تنها راه سعادت و تکامل لایق به حال انسان، در عبودیت بوده، به گونه‌ای که قرآن می‌فرماید: «و ان اعبدونی هذا صراط

مستقیم».^۳

از طرف دیگر، معیار، عبد زیستن است؛ نه فقط ساعتی مناسکی را انجام دادن؛ یعنی خود را در تمام حالات مملوک خدا دیدن و از همه وابستگی‌های مادی و علائق حیوانی رها شدن و تنها طالب و تسلیم و مطیع خدا شدن و به همین دلیل در اسلام از عوامل غفلت آور، نهی شده و به آن چه موجب ذکر و توجه قلبی به خدا و جدایی از مظاهر مادی است، مانند یاد معاد، توصیه و تأکید شده است.

مشاهد مشرفه و آرامگاه رهبران دین و شخصیت‌های الهی، همانند امام علی علیه السلام که می‌فرماید: «الهی، کفی بی عزاً ان اکون لک عبداً»^۴، یکی از راه‌های مهم توجه قلبی و یاد خدا می‌باشد. شیعه هرگز نگاه استقلال‌ی به امام و این که امامان قدرتی بالذات در برابر خداوند دارند، نداشته است؛ بلکه پیشوایان دینی با پاکی و صفای باطن (که از طریق عبودیت کسب کرده‌اند)، به اذن خدا واسطه می‌شوند و این معنا در متن زیارت نامه‌ها آمده است: «اتقرب الی الله بحبکم و متقرب الیک بزیارة قبر اخی رسولک، اتوسل، اتوجه و بزیارة حبیب حبیبک تقربت، اللهم الیک صمدت من ارضی... رجاء رحمتک» و زائر هم در زیارتگاه‌ها به دعا، نماز، قرائت قرآن و ذکر خدا می‌پردازد و در عین احترام و توجه به مقام قرب آنان و موقعیت‌شان نزد پروردگار از آنان بهره‌مند می‌شود؛ همان گونه که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله نزد آن حضرت می‌آمدند و از خدا طلب مغفرت می‌کردند؛ «ولو انهم إذ ظلموا انفسهم جاؤک فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله تواباً رحیماً»^۵ یا همانند فرزندان حضرت یعقوب که از پدرشان خواستند تا برای آنها در پیشگاه خداوند استغفار کند؛ «قالوا یا ابانا استغفر لنا ذنوبنا...»^۶ و حضرت نفرمود که چرا مرا واسطه قرار دادید و مستقلاً باید سراغ خدا بروید؛ بلکه فرمود: «سوف استغفر لکم ربی انه هو الغفور الرحیم»^۷ بزودی از خدایم برای شما طلب آمرزش کنم؛ زیرا او آمرزنده مهربان است» و همین طور وعده حضرت ابراهیم نسبت به استغفار برای پدرش.^۸

به راستی مگر اصحاب در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله آب وضوی او را به عنوان تبرک بر نمی‌داشتند و دست آن حضرت را نمی‌بوسیدند.^۹

اما ساختن گنبد و بارگاه بر مزار صالحان و پاکان، علاوه بر احترام به آنان، برای

استراحت زائران و عبادت کنندگان است که از راه‌های دور و نزدیک می‌آیند و هنر اسلامی و شکوه آن را نمایش می‌دهد و نیز نوعی تعظیم شعائر^{۱۰} به شمار می‌آید. همچنین از مصادیق آیه مبارکه (فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمہ...) ^{۱۱} می‌باشد؛ زیرا در این مکان‌ها زن و مرد به ذکر خدا و نماز و نیایش حق مشغولند. روایات متعددی نیز از سنی و شیعه در پاداش و تشویق تعمیر و ساختن قبور پیشوایان اسلام نقل شده است.

پیامبر ﷺ و امامان معصوم و صالحان بعد از رحلت و شهادتشان، در حکم زندگانی می‌باشند و از ارواح بلندشان درخواست وساطت برای روا شدن حاجات می‌شود و حتی نوعی حیات برزخی برتر از شهدا برای آنان گفته‌اند؛ ^{۱۲} (ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياء عند ربهم یرزقون). ^{۱۳}

احادیث بسیاری از علمای شیعه و سنی نقل شده که پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام سخن‌ها و سلام‌ها را می‌شنوند و از دور و نزدیک، جواب می‌دهند و حتی اعمال امت بر آنان عرضه می‌گردد ^{۱۴} و نیز پیامبر ﷺ با اجساد مرده مشرکان در کنار چاه «بدر» سخن گفت و در جواب «عمر» فرمود: «والذی نفس محمد بیده ما انتم باسمع لما اقول منهم؛ سوگند به آن که جان «محمد» در دست اوست، شما نسبت به آن چه می‌گوییم از آنها شنواتر نیستید ^{۱۵} و همچنین امام علی علیه السلام با کشتگان جنگ «جمل» ^{۱۶} سخن گفت و نیز در مجامع روایی می‌خوانیم:

«واعلم ان رسلک و خلفائک احياء عندک یرزقون بیرون مقامی و یسمعون کلامی...» ^{۱۷}.

زیارت در لغت

زیارت، از ماده «زور» به معنای قصد، میل، انحراف، دیدار، بالای سینه و ملاقات با سینه را گویند. این واژه در قرآن در دو جا آمده است: آیه ۲ تکاثر و آیه ۱۷ کهف و مراد از «قول زور» در آیه ۳۰ حج و آیه ۴ فرقان، سخن منحرف از حق، دروغ و گفتار ظالمانه می‌باشد. ^{۱۸} و در اصطلاح، نوعی انس و تمایل قلبی، همراه با حرکت حسی و تکریم و تعظیم مزور می‌باشد و شاید مرحله نهایی آن عشق و اطاعت از زیارت شونده

و همانند او شدن در عقیده و عمل باشد^{۱۹} و در حدیث آمده است: «اللهم اجعلنی من زوارک؛ خدایا! مرا از قصد کنندگان و پناهندگان در گاهت قرار بده».^{۲۰}

زیارت در اسلام

زیارت و احترام شخصیت‌های علمی، انقلابی، مکتبی و ملی، در تمام ملت‌ها و امت‌ها وجود دارد و یک اصل فطری و عقلانی است و در تمام ادوار زندگی بشر به چشم می‌خورد و اسلام از آن جا که دینی جامع است و پاسخ‌گوی تمام تمایلات انسان می‌باشد، اصل زیارت را به دور از خرافات جاهلی و تحریفات شرک آلود، برای پیروان خود بیان کرده است. احادیث فراوان، متواتر و متنوعی در کتاب‌های شیعه و سنی در این باره آمده است. نگارش صدها کتاب از اهل تسنن و تشیع در آداب و احکام زیارت، همه حاکی از اهمیت زیارت و نقش سازنده و مؤثر آن در تربیت و هدایت فرد و جامعه و حفظ و نشر فرهنگ دینی است.^{۲۱}

زیارت و احترام شخصیت‌های علمی، انقلابی، مکتبی و ملی، در تمام ملت‌ها و امت‌ها وجود دارد و یک اصل فطری و عقلانی است و در تمام ادوار زندگی بشر به چشم می‌خورد.

به طور کلی، زیارت قبور انبیا، امامان و اولیاء و صالحان، اصلی ارزشی و مورد اتفاق فرق اسلامی (غیر از وهابیت) می‌باشد و حتی فخر رازی، دانشمند مشهور و مفسر معروف اهل تسنن (۵۴۳-۶۰۶) «رساله زیارة القبور» را نوشته است و در کتاب‌های «کنز العمال، ج ۱۵»، «احیاء العلوم، ج ۱» و صحاح سته و «المغنی و الشرح الکبیر، ج ۲ و ۳» و... روایات متعددی از پیامبر ﷺ و اصحاب در این باره نقل شده است. زیارت خوبان خدایی رفتن، عمل کردن به آیه «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ابتغوا الیه الوسیله وجاهدوا فی سبیلہ لعلکم تفلحون»^{۲۲} است که مؤمنان را به دور از شرک و کفر به دنبال وسیله رفتن و توسل جستن، توصیه می‌کند.

روایات فراوانی در باب توسل، از عالمان سنی و شیعه نقل شده است که متواتر بودن آنها ما را از بررسی سندشان بی نیاز می نماید «سمهودی»، دانشمند مشهور سنی در کتاب خود، کمک و شفاعت خواستن از پیامبر ﷺ را قبل و بعد از رحلتش و در عالم برزخ و قیامت، جایز می داند.^{۲۳}

امام شافعی (پیشوای بزرگ اهل تسنن) در توسل به اهل بیت، شعری بدین مضمون نقل کرده است:

خاندان پیامبر ﷺ وسیله من نزد خدا هستند و امیدوارم به وسیله آنان، فردای قیامت، نامه عمل من به دست راستم داده شود.^{۲۴}

همچنین «آلوسی» می گوید:

توسل به خداوند به مقام پیامبر، در زندگی و بعد از ارتحالش و حتی توسل به مقام غیر پیامبر هم جایز است؛ به شرط آن که نزد خدا مقامی داشته باشد.^{۲۵}

چطور می توان دوستدار خداوند بود، اما حبیب خدا، پیامبر ﷺ و اولیاء دلباخته خدا را دوست نداشت؟ مگر مقام ابراهیم ع جز سنگی است که حضرت ابراهیم ع هنگام ساختن خانه خدا (کعبه) زیر پای خود گذاشت یا استلام «حجرالاسود»، چیزی جز عشق و احترام و عرفان و عبادت است؟

چیستی زیارت

زیارت گرچه یک اصل اخلاقی، عبادی، ارزشی و سیاسی است و در مکتب تشیع با شور و شکوه خاصی درخشیده است و بامنطق و استدلال، همراه می باشد، اما بیشتر از همه عشق و اشتیاق زائر نسبت به زیارت شونده در آن مطرح است و بیان گر یک رابطه دوستی و قلبی خاص است که آن همه رنجها و سفرها و هزینه ها را آسان می نماید.

از رهگذر محبت است که مجنون درب و دیوار خانه «لیلی»، معشوق و محبوب خود را می بوسد و پیوسته نام او را یاد می کند.

«و ما حب الدیار شغفن قلبی و لكن حب من سكن الدیار»



مادر، تصویر و لباس فرزندش را می‌بوسد و این، شرک نیست؛ بلکه عشق است. اسلام، دین محبت است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هل الدين الا الحب؟»^{۲۶} آیا دین چیزی جز محبت است؟»

در قرآن می‌خوانیم: «قل لا اسئلكم عليه اجرا الا المودة فى القربى»^{۲۷} به راستی چطور می‌توان دوستدار خداوند بود، اما حبیب خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله و اولیاء دل‌باخته خدا را دوست نداشت؟ مگر مقام ابراهیم علیه السلام جز سنگی است که حضرت ابراهیم علیه السلام هنگام ساختن خانه خدا (کعبه) زیر پای خود گذاشت یا استلام «حجرالاسود»، چیزی جز عشق و احترام و عرفان و عبادت است؟

فقیه و ادیب بزرگ اهل تسنن، (تاج الدین فاکهانی)، به دمشق رفت تا کفش منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله را ببیند و بعد آن را می‌بوسد و می‌گرید و شعر می‌سراید.^{۲۸} زیارت، سراغ اسوه‌ها و الگوهای ارزشی رفتن است و از آن جا که الگو خواهی و الگوپذیری، فطری هر انسان است و در مکتب جاوید اسلام، اسوه‌های جاودانه‌ای معرفی شدند، «لقد كان لكم فى رسول الله اسوة حسنة»؛^{۲۹} برای شما [در همه زمان‌ها و زمینه‌ها] پیامبر اسوه و سرمشق نیکوست». خود را ارزیابی و ضعف‌ها و نقص‌های خود را دیدن و ازدحام‌های شیاطین درون و بیرون رها شدن و به آن اسوه‌ها اقتدا کردن و سیر تعالی را طی نمودن از اهداف زیارت می‌باشد.

بر این اساس در زیارت نامه حضرت علی علیه السلام می‌خوانیم: «السلام علی میزان الاعمال و مقلب الاحوال».^{۳۰}

«الکسیس کارل» دانشمند مشهور می‌نویسد:

در زندگی عالمان و قهرمانان و پاکان، یک ذخیره تمام نشدنی از انرژی معنوی وجود دارد. این مردان، چون کوه‌هایی در میان دشت، سر به بالا کشیده‌اند و به ما نشان می‌دهند که تا کجا می‌توانیم بالا برویم و چقدر هدفی که طبیعتاً شعور انسانی به آن متمایل است، عالی است؛ فقط چنین مردانی می‌توانند برای زندگی درونی ما غذای معنوی مورد نیازش را تهیه کنند.^{۳۱}

آثار زیارت

زیارت قبر پیشوایان و بزرگان دینی فواید فراوانی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. تحکیم توحید و خداشناسی و جایگاه نبوت، امامت و ولایت و تقویت اعتقاد به معاد و شفاعت....
 ۲. احساس اصالت فرهنگی و هویت و شخصیت با این پیشینه‌های پاک تاریخی و خودباوری مکتبی.
 ۳. عاملی برای تحول روحی و توفیق توبه و رهایی از سقوط در گرداب گناه و بدبختی و زشتی‌ها.
 ۴. تجدید عهد و پیمان با محور توحید و امامت پیشوایان دین و دانش و استوار و ثابت ماندن در امواج و کشش‌های مختلف زندگی.
- امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

ان لكل امام عهداً فی عنق اولیائه و شیعته و ان من تمام الوفاء بالعهد زیارة قبورهم...؛^{۳۲} به راستی برای هر امامی به گردن دوستان و پیروانش پیمانی است که از وفاء به این پیمان، زیارت قبور آنان است.

۵. شکسته شدن یأس و رفع غم و تخلیه عقده‌های روحی؛ با گریه و مناجات با خدا و

از آغاز در کنار مزار رسول خدا ﷺ حوزه‌های علمیه آغاز شد و زمان امام باقر و امام صادق علیهما السلام هزاران دانشجو از سراسر بلاد گرد می‌آمدند و به تعلیم علوم اسلامی می‌پرداختند و نیز بیدارگری‌های فاطمه زهرا علیها السلام از کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز و همچنین فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی ضدظلم و استعمار - در کنار این مراکز صورت می‌گرفت و از کنار مزار حضرت علی علیه السلام و حوزه‌های علمیه نجف و سامراء جنگ برضداستعمار بریتانیای کبیر شکل گرفت.

- یافتن نشاط و آرامش با توجه به توسل و شفاعت و تقرب جستن به درگاه خدا.
۶. حضور در مزارها با آن اجتماعات، نمادی از قدرت و عظمت و عامل وحدت دینی و ملی و بر طرف کننده اختلافات و کدورت‌هاست.
۷. زمینه پاکی و کاهش جرائم و آسیب‌های اجتماعی را فراهم می‌کند.
۸. زمینه‌ای جهت توسعه اقتصادی، به ویژه تولید کالاهای فرهنگی و همچنین عامل انفاق‌ها و رفع فقر و محرومیت‌ها می‌باشد.
۹. زیارت‌ها زمینه ساز آشنایی بیشتر با معارف دینی و مفاخر تاریخی و رشد دانش و فرهنگ مکتبی است.
۱۰. تبدیل شدن زیارتگاه‌ها به مراکز فرهنگی و تأسیس حوزه‌های علمیه؛ به طوری که از آغاز در کنار مزار رسول خدا صلی الله علیه و آله این کار آغاز شد و زمان امام باقر و امام صادق علیهما السلام هزاران دانشجو از سراسر بلاد گرد می‌آمدند و به تعلیم علوم اسلامی می‌پرداختند و نیز بیدارگری‌های فاطمه زهرا علیها السلام از کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز و همچنین فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی ضدظلم و استعمار - در کنار این مراکز صورت می‌گرفت و از کنار مزار حضرت علی علیه السلام و حوزه‌های علمیه نجف و سامراء جنگ برضداستعمار بریتانیای کبیر شکل گرفت و فتوای تاریخی میرزای شیرازی و تحریم تنباکو که انگلیس را به زانو در آورد و حادثه مسجد گوهر شاد و همچنین قیام عظیم امام خمینی (ره) از مدرسه فیضیه همه در کنار این قبور منور و مقدس صورت گرفتند.

مرز توحید و شرک

اتهام شرک بدعت به هر حرکتی و هر نوع احترام و آدابی، دور از منطق و خرداست؛ زیرا حد شرک در قرآن و سنت بیان شده است. قرآن مجید پیروان خود را از قضاوت عجولانه و زدن اتهام بی جا، نسبت به دیگران منع نموده می فرماید:

و لا تقولوا لمن اتى اليكم السلم لست مؤمناً تبتغون عرض الحيوۃ الدنيا^{۳۳}
به کسانی که اظهار اسلام می کنند (و از صلح و سلام سخن می گویند)،
نگویید مؤمن نیستید؛ تا از سرمایه ناپایدار دنیا بهره و غنیمی به
دست آید».

پیامبر اکرم ﷺ وقتی حضرت علی علیه السلام را برای فتح قلعه های خیر فرستاد؛ در پاسخ
علی علیه السلام که پرسید: حد نبرد با آنان چیست؟ فرمود:

قاتلهم حتی یشهدوا ان لا اله الا الله و ان محمداً رسول الله فاذا فعلوا
ذلك فقد منعوا منك دمانهم واموالهم الا بحقهم و حسابهم علی الله؛^{۳۴}
با آنها پیکار کن؛ تا آنجا که شهادتین را بگویند در این صورت، جان
و مالشان مصون و محترم است؛ مگر موردی که جان و مالشان به
حق گرفته شود و حسابشان با خداست.

این، سیره پیامبر و اصحاب و تابعین بوده است.

آیا تنها وهابیان محدود و تند رو، مؤمن هستند و تمام مسلمانان مشرکند؟^{۳۵} آیا فقط
آنها کتاب و سنت را فهمیده اند که فتوا به تخریب مزار پیشوایان دین و کشتن زنان
و مردان و کودکان بیگناه می دهند؟
در تبیین توسل و مرز شرک در اسلام، نقل کلام استاد شهید مطهری مناسب می باشد؛
وی می نویسد:

موجودی که به تمام هویتش، وابسته به اراده حق است و هیچ حیثیت
مستقل از خود ندارد، تأثیر مافوق طبیعی او مانند تأثیر طبیعی او، پیش
از آن که به خودش مستند باشد، مستند به حق است و او جز مجرای
برای مرور فیض حق به اشیاء نیست؛ آیا واسطه فیض وحی و علم

بودن جبرئیل و واسطه رزق بودن میکائیل و واسطه احیاء بودن

اسرافیل و واسطه قبض ارواح بودن ملک الموت، شرک است؟^{۳۶}

جهان از نظر جهان بینی اسلامی، ماهیت «از اوایی، انالله» دارد. قرآن کریم در آیات متعددی کارهای اعجاز آمیزی از قبیل: زنده کردن مرده، شفادادن کور مادرزاد را به برخی پیامبران نسبت میدهد؛ اما همراه آن کلمه «بِذَنْه» را اضافه می کند.^{۳۷} این کلمه، نمایش گر ماهیت «از اوایی» این کارهاست؛ تا کسی نپندارد که انبیا از خود استقلالی دارند. پس مرز توحید نظری و شرک نظری، «از اوایی» و مرز توحید و شرک در توحید عملی، «به سوی اوایی و انا الیه راجعون» است.

توجه به هر موجودی، اعم از توجه ظاهری و معنوی، هرگاه به صورت توجه به یک راه برای رفتن به سوی حق باشد و نه به عنوان یک مقصد، توجه به خداست. در هر حرکت و مسیر، توجه به راه، از آن جهت که راه است و توجه به علامت‌ها و نشانه‌های راه برای گم نشدن و دور نیفتادن از مقصد، از آن جهت که این‌ها علامت و نشان هستند، «به سوی مقصد بودن و به سوی مقصد رفتن» است.

پیامبران و اولیا، راه‌های خدا هستند؛ «انتم السبیل الاعظم و الصراط الاقوم» و آنان علامت‌ها و نشانه‌های سیر الی الله هستند؛ «و اعلاما لعباده مناراً فی بلاده و ادلاء علی صراطه». پس مسئله این نیست که توسل و زیارت اولیا و انتظار مافوق طبیعی از آنان شرک است. مسئله چیز دیگر است. آنان چنین صعودی در مراتب قرب الهی کرده‌اند که تا این حد مورد موهبت واقع شده‌اند. از قرآن کریم استفاده می شود که خدا به پاره‌ای از بندگان خود چنین مقامات و درجاتی عنایت کرده است.^{۳۸}

نفس و روح آدمی بامرگ نابود نمی‌شود با این که به عالم بالا رفته و روح با تجرد قدرتمندتر می‌گردد و ارواح قوی بزرگان ناظر اعمال ما می‌باشند و فضائل و مقام پیامبر مربوط به جسم و پیکر او نبوده تا با رحلتش پایان پذیرد، بلکه مربوط به روح شکوهمند آن حضرت می‌باشد که باقی و منشأ برکات است؛ بنابراین مقام پیامبر ﷺ و اولیاء الهی در زمان حیات و مرگ یکسان است.

عباد صالح در مرگ و حیات

اما اینکه پیامبر ﷺ و امامان معصوم علیهم السلام و صالحان بعد از رحلت و شهادتشان در حکم زنده‌ها هستند و درخواست از ارواح بلندشان برای روا شدن حاجت به اذن الهی، هیچ اشکالی ندارد، بلکه در جای خود ثابت شده است.^{۳۹} و قرآن کریم می‌فرماید:

و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء عند ربهم یرزقون؛^{۴۰}
هرگز کشته شدگان در راه خدا را مرده مپندار بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند.

علمای سنی و شیعه برای انبیا نوعی حیات برزخی برتر از شهدا گفته‌اند^{۴۱} و احادیث متعدد نقل شده که پیامبر و پاکان، سخن و سلام زائران را می‌شنوند و از دور و نزدیک جواب می‌دهند؛ حتی اعمال امت بر آنان عرضه می‌گردد.^{۴۲}

و همین طور در مجامع روایی می‌خوانیم: «و اعلم ان رسلک و خلفائک احياء عندک یرزقون بیرون مکانی ویسمعون کلامی...»^{۴۳} بعلاوه نفس و روح آدمی با مرگ نابود نمی‌شود با این که به عالم بالا رفته و روح با مجرد قدرتمندتر می‌گردد و ارواح قوی بزرگان ناظر اعمال ما می‌باشند و فضائل و مقام پیامبر مربوط به جسم و پیکر او نبوده تا با رحلتش پایان پذیرد، بلکه مربوط به روح شکوهمند آن حضرت می‌باشد که باقی و منشاء برکات است؛ بنابراین مقام پیامبر ﷺ و اولیاء الهی در زمان حیات و مرگ یکسان است.

و به این حقیقت آیه شریفه (فکیف اذا جئنا من کل امة بشهید و جئنا بک علی هؤلاء شهیدا بک علی هؤلاء شهید)^{۴۴} پس چگونه باشد آنگاه که از هر امتی گواهی بیاوریم و تو را گواه بر اینان قرار دهیم.

این آیه به این موضوع تصریح دارد که اداء شهادت و گواهی مستلزم آن است که شاهد (پیامبر ﷺ) بر امت خویش در طول زمان نظارت و حضور داشته باشد.

و این مسأله آشکارتر می‌شود وقتی می‌بینیم قرآن، سرای آخرت را حیات حقیقی دانسته و می‌فرماید: (وان الدار الاخرة لهی الحيوان لو كانوا یعلمون) اگر بدانند زندگی واقعی همانا سرای آخرت است.^{۴۵} و مرگ دروازه ورود به آخرت و غروب از یک نشئه و طلوع در عالم دیگر می‌باشد.

شیعه امامیه و پیروان اهل بیت پیامبر ﷺ همانند سایر مذاهب اسلامی سجده بر غیر خدا را حرام می‌داند حتی اگر به قصد پرستش غیر هم نباشد، جایز نیست (گواه آن کتب فقهاء شیعه و نظر عالمان مذهب تشیع می‌باشد)^{۴۶} و سلیقه برخی عوام دلیلی بر دیدگاه شیعه نمی‌باشد) و اساساً زیارت نامه‌های رسیده از امامان معصوم شیعه سراسر توحید و تسبیح خداوند و بیان معارف دین و سلام و صلوات بر پیامبر و اولیاء و عباد صالح خداست که وسیله هدایت و نجات انسانها از شرک و گمراهی بودند و به مشیت الهی بعد از وفاتشان، مرقد مطهرشان محل رحمت، برکت، اجابت دعا و پناهگاه محبان شان می‌باشد، در واقع مکان معرفی پیامبر ﷺ و عترت پاکش و یافتن مدلهای ارزشی و عالی زندگی همراه باتولی و تبری یعنی پیروی از خوبان و خوبی‌ها و بیزاری از دشمنان خدا و زشتی‌ها در سیر به سوی خدا و بهشت جاودان می‌باشد.

هشدار

آری، دشمنان اسلام و تشیع، وقتی آن همه آثار و برکات را از زیارت راستین و زیارتگاه‌ها مشاهده کردند، تصمیم به تخریب و توقف ظاهری و باطنی این حرکت سازنده و پویا گرفتند و قبر امام حسین علیه السلام و امامان علیهم السلام را تخریب کردند و اخیراً نیز عسکرین علیهم السلام را خراب کردند و سعی می‌کنند تا بدین وسیله فرهنگ و تفکر شیعه را نابود و یا منزوی سازند؛ اما باعنایت خداوند و هوشیاری مسلمانان، نقشه‌های خائنه و جاهلانه آنان نقش بر آب شده است و تفکر شیعی هر روز بیش از گذشته، در حال گسترش و اوج‌گیری است.

پی‌نوشت:

* مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ حسین ایرانی از روحانیون مبارز حوزه علمیه قم بود که در دوران رژیم ستمشاهی مبارزات او قابل تقدیر است. پس از پیروزی انقلاب سال‌ها فرماندهی سپاه قم را عهده دار بود و در دو دوره، به نمایندگی مردم قم در مجلس شورای اسلامی برگزیده شد و چند سال نیز به عنوان رئیس سازمان تبلیغات اسلامی استان قم به خدمت مشغول بود که

متأسفانه در اثر کسالت طولانی روز ۱۳۸۷/۱۲/۲۹ به رحمت ایزدی پیوست و همه دوستان، آشنایان و همکاران خود را داغدار نمود. از آن مرحوم، آثار قلمی متعددی به یادگار مانده است. با چاپ مقاله فوق که به قلم این فرزانه نگارش یافته است، یاد و نام او را گرامی می‌داریم و خدمات و تلاش‌های شبانه روزی وی را ارج می‌نهمیم.
۱. ذاریات، آیه ۵۶.

۲. نحل، آیه ۳۶.
۳. یس، آیه ۶۱ و آل عمران، آیه ۵۱.
۴. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۴۰.
۵. نساء، آیه ۶۴.
۶. یوسف، آیه ۹۷.
۷. یوسف، آیه ۹۸.
۸. توبه، آیه ۱۱۴.
۹. کشف الارتیاب، ص ۴۴۳.
۱۰. حج، آیه ۲۳.
۱۱. نور، آیه ۳۶.
۱۲. محمدین عبدالوهاب، رساله دوم الهدیه الشیعه، ص ۴۱ (به نقل از تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۴۵)
۱۳. آل عمران، آیه ۱۶۹.
۱۴. کشف الارتیاب، ص ۱۰۹.
۱۵. بخاری، صحیح، ج ۵، ص ۹۷، باب قتل ابوجهل.
۱۶. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۴۸.
۱۷. بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۸۲.
۱۸. راغب، مفردات؛ اقرب الموارد؛ مجمع البحرین و قاموس القرآن.
۱۹. نجفی، جواره الکلام، فی شرح شرایع الاسلام، ج ۲۰، ص ۴۴۱.
۲۰. بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۳۷۷.
۲۱. امینی، الغدیر، ج ۵؛ کامل الزیارات؛ بحارالانوار.
۲۲. مائده، آیه ۳۵.
۲۳. وفاء الوفاء، ج ۳ و ص ۱۳۷۱؛ التوصل الی حقیقه التوصل، ص ۲۱۵.
۲۴. همان، ص ۳۲۹.
۲۵. تفسیر رحل المعانی، ج ۳، ص ۱۱۴.
۲۶. بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۲۳۷.
۲۷. شوری، آیه ۲۳.
۲۸. الغدیر، ج ۵، ص ۱۵۵.
۲۹. احزاب، آیه ۲۱.
۳۰. مصابیح الجنان، ص ۲۹۴.
۳۱. راه و رسم زندگی، ترجمه پرویز دبیری، ص ۱۰۱.
۳۲. عاملی، ج ۱۴، ص ۳۲۲.
۳۳. نساء، آیه ۹۴.
۳۴. صحیح بخاری، کتاب الایمان، ص ۱۰؛ صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۷؛ باب فضائل علی ع؛ کشف الارتیاب، ص ۱۰۱.
۳۵. همان، ص ۱۰۸-۱۱۴ و ۱۱۴.
۳۶. مقدمه‌ای بر جهان بینی، ج ۲، ص ۱۰۴.
۳۷. آل عمران، آیه ۴۹ و مائده، آیه ۱۱۰.
۳۸. مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۱۳۲.
۳۹. کشف الارتیاب، ص ۱۰۸ و ۱۱۴.
۴۰. آل عمران، آیه ۱۶۹.
۴۱. کشف الارتیاب، ص ۱۱۲ و ۴۸۳؛ الهدایه السنیه، رساله دوم، ص ۴۱.
۴۲. همان، ص ۱۰۹؛ تفسیر البیضاوی، ج ۱، ص ۸۵؛ دیده‌ها و دریافت‌ها، ص ۱۷۴.
۴۳. بحارالانوار، ۸۲/۱۰۲ - کشف الارتیاب، ص ۲۷۸.
۴۴. نساء، ۴۱.
۴۵. عنکبوت، آیه ۶۴.
۴۶. اگر برخی عوام، گاه در بعضی مزار پیشوایان دین ناآگاهانه از روی محبت خم می‌شوند و به زمین می‌افتند هرگز سجده نبوده و نوعی عتبه بوسی و سجده شکر و احترام و تشکر است نه شکر که آن هم نباید انجام شود و باید ترک گردد همانند قفل زدن و نخ گره زدن به در و پنجره برخی بقعه‌ها و حاجت طلبیدن‌های جاهلانه و ممنوع که در گذر زمان به خاطر ناآگاهی و کوته فکری در مراسم زیارت راه یافته (مانند آب زلالی که از چشمه جاری شود و در عبور از سرزمین‌های مختلف و عادات و افکار شخصی و ملی آمیخته شود و از پاکی نخستین دور گردد)